انضمام طبائع، عامل شکل‌گیری طبیعت در علوم اعتباری

فعلاً مباحث آقای حکیمی را تمام کنیم و بعد به خود حدیث شریف بپردازیم. آقای حکیمی ذیل فرعی که مرحوم سید فرموده بودند: «صوم یوم الشک یتصور علی وجوه»، فرض سوم این بود: «ان یصوم علی انه ان کان من شعبان کان ندبا او قضاء و ان کان من رمضان کان واجبا و الاقوی بطلانه ایضا». سید فرموده بودند که باطل است؛ مرحوم آقای حکیمی سه دلیل برای آن آورده بودند. ایشان دلیل سوم و دلیل اول را تقریباً یکی دانسته‌اند. عرض کردم ممکن است در مبادی با هم تفاوت داشته باشند و سومین آنها حرف مرحوم شیخ اعظام انصاری بود؛ ایشان فرموده بودند تغایر «حقیقت» دارند، پس نمی‌توانند مجزی باشند.

در جلسه قبل هم بحث‌هایی شد. آنها دیگر سر درز دارد. بحث‌های مبنایی است که هر چه بیشتر یادداشت کنید و فکر کنید، به نفع آینده علمی خود شما است. وقتی مبادی برای ذهن صاف می‌شود، در تفریع فروعات برای او راحت‌تر است. به خلاف اینکه مبادی صاف نباشد و وقتی به فروعات می‌رسد حیران می‌شود.

پیشنهادی که من دادم این بود که ریخت حقائق، انضمام طبایع است. از هر انضمامی یک طبیعت جدیدی پدید می‌آید. آن طبیعت به چه صورت است؟ حال بماند. آن چه که بحث ما بود، در حوزه فقه و علوم اعتباری بود. اصل سر و کار ما در علوم اعتباری با جهت دادن حاملین ارزش و ایصال ما به‌سوی اغراض است. این جهت‌دهی، محط اصلی علوم اعتباری این است که چه کار کنیم که این جهت‌دهی حکیمانه باشد. در این علوم اگر ما طبیعتی داریم، طبیعتی است که از میان سه حوزه اعتبار، حوزه انتزاع و...، از حوزه انتزاع نیست. از سنخ اعتبار است. البته اغراض شما و حاملین ارزش می‌تواند طبایعی باشد که از سنخ انتزاعیات و تکوینیات باشد. اما در جای اصلی علوم اعتباری که جهت‌دهی کردن است، هر چه طبیعت بیابی از سنخ اعتبار است. وقتی شما انضمام را پیش می‌آوری، مثل «نسبت» که کیفیت داشت؛ همانطور که می‌گفتند کیفیت نسبت سه تا است؛ امتناع و وجوب و امکان، «انضمام» هم کیفیت دارد. انضمام مقوِّم، انضمام مکمِّل. نباید از اینها غض نظر کنیم. اینها کارهایی است که برای نوابغ بشر به قدری مبهم است که سر جایش می‌بینی ارشاداتی که شارع مقدس فرموده درست است و ما داریم اشتباه می‌کنیم؛ ما داریم توسعه‌ای می‌دهیم که جایش نیست. لذا انضمام بر انواعی است. در علوم اعتباری با انضمام، طبایع پدید می‌آیند. با انضمامی که انواعی دارد اینها پدید می‌آیند. این انضمام اعتباری می‌تواند هم در حوزه حاملین ارزش باشد که ما را به اغراض می‌رساند و هم در ناحیه خود اغراض.

7:55

یعنی گاهی ما برای چند غرض یک اعتبار اجتماع می‌کنیم و می‌گوییم غرض من این است. وقتی اسم غرض خودتان را می‌بری می‌بینی چند غرض تکوینی بوده که انتزاعی است. ولی شما برای مدیریت وصول خودتان به اغراض، چند غرض را در محمل اغراض، با هم اعتبارا یکی کردی و روی آن اسم گذاشتی. با این اسم، طبیعت اعتباری می‌شود که نباید احکام تکوینی را روی آن بار کنید. برای غرض‌هایی که در حوزه اعتبار، اعتبار وحدت می‌شود –یعنی اعتبار انضمام- انضمام آن‌ها به دست ما است. به دست مقنن است. به دست تکوین و «کُن» الهیه نیست. هر کجا انضمامی صورت بگیرد که اگر پشتوانه‌اش بشر نیست، این انضمام هم نبود، این انضمامه‌ا طبایع خاص هستند و نباید احکام جای دیگر را بر آن متفرع کرد. این خلاصه عرض من در جلسه قبل است.

بازبینی #1
ایجاد شده در 24 مه 2026 10:37:09 توسط ... .
به روزرسانی شده در 24 مه 2026 10:37:40 توسط ... .